



گزارشگری پایدار مالیاتی و حسابداری

در

ایجاد فرهنگ مالیاتی جدید

✍ دکتر لقمان پاکروان

محسن پورکیانی

مقدمه

درک مالیات به عنوان یک خدمت حمایتی یا یک تحمیل سنگین، جنبه‌ای حیاتی از دیدگاه اجتماعی-اقتصادی است. مالیات، ستون فقرات مالی دولت‌ها را تشکیل می‌دهد و منابع ضروری را برای خدمات عمومی، توسعه زیرساخت‌ها و برنامه‌های رفاه اجتماعی فراهم می‌کند. با این حال، روشهای متنوعی که افراد مالیات را تفسیر می‌کنند، می‌تواند به طور قابل توجهی بر رفتار انطباق، تصمیم‌گیری اقتصادی و مشروعیت دولت تاثیر بگذارد. درک عناصری که بر این برداشتها تاثیر می‌گذارند، برای شکل‌گیری موفق سیاستهای مالیاتی و توسعه پایدار بسیار مهم است، زیرا اقتصادها و جامعه به طور فزاینده‌ای در هم تنیده می‌شوند. دیدگاه‌های انطباق مالیاتی به طور قابل توجهی تحت تاثیر برداشتهای مردم از عدالت و انصاف قرار دارند.

اورکایدو و کارافو (۲۰۱۸) ^۱ اثبات کردند که اگر مردم معتقد باشند که نظام عادلانه است، احتمال کمتری دارد که مرتکب تقلب مالیاتی شوند. دیدگاه اخلاقی مردم نیز در تعیین میزان انطباق داوطلبانه مالیات نقش دارد. انطباق داوطلبانه مالیات تا حد زیادی توسط نگرشهای اخلاقی فرد در مورد فرار مالیاتی پیش‌بینی می‌شود. دیدگاه اخلاقی تحت تاثیر منفی آرمان‌گرایی و دانش مالیاتی قرار می‌گیرد، اما نسبی‌گرایی کمک می‌کند. مطالعه انجام‌شده توسط سولیز (۲۰۱۵) ^۲ در مورد نقش جهت‌گیری اخلاقی و درک ریسک

توسعه روشهای ارتباطی موثر و ایجاد فرهنگ هماهنگ پرداخت مالیات مستلزم درک دلایلی است که چرا برخی افراد مالیات را به عنوان نوعی کمک به پیشرفت و در مقابل برخی دیگر آن را مانعی برای رشد می دانند. برای ایجاد استراتژیهای ارتباطی موثر و تشویق فرهنگ پرداخت مالیات صلح آمیزتر، این دانش ضروری است. اهداف خاص بررسی شامل موارد زیر است: الف) شناسایی عوامل اقتصادی، اجتماعی، روانی، فرهنگی و سیاسی موثر بر ادراک مالیاتی؛ ب) بررسی نقش ادراک مالیاتی در شکل دهی رفتار انطباق و انتخابهای اقتصادی؛ ج) بررسی چگونگی تاثیر تلاشهای ارتباطی و آموزشی دولت بر ادراک مالیاتی؛ د) تجزیه و تحلیل ارتباط بین ادراک مالیاتی، ه) مشروعیت دولت و اعتماد عمومی؛ و مقایسه دیدگاههای بین المللی در مورد ادراک مالیاتی برای ارائه زمینه ای گسترده تر برای یافته ها، نکات قابل توجه این است که مطالعه نگرشها و برداشتهای مالیاتی از اهمیت قابل توجهی برای سیاست گذاری نظری و کاربردی برخوردار است؛ زیرا می تواند به ادبیات مربوط به مالیات، اقتصاد و سیاست عمومی کمک کند. درک عوامل موثر بر نگرشهای مالیاتی برای سیاست گذاران و مقامها دولتی که با هدف افزایش نرخهای تمکین مالیاتی و تقویت فرهنگ خوب پرداخت مالیات تلاش می کنند، بسیار مهم است. این درک برای دستیابی به توسعه عادلانه و حکومتداری موفق، به ویژه در کشورهای در حال توسعه که با چالشهای قابل توجهی در توسعه ظرفیتهای مالیاتی خود مواجه هستند، ضروری است. در این مطالعه، اهمیت قابل توجهی برای سیاست گذاری نظری و کاربردی وجود دارد. این تحقیق امیدوار است با ارائه بررسی عمیق عوامل موثر بر نگرشهای متنوع مالیاتی، به ادبیات مربوط به مالیات، اقتصاد و سیاست عمومی بیفزاید. علاوه بر این، سیاستمداران و مقامهای دولتی می توانند از یافته های این مطالعه در تلاش برای افزایش نرخهای تمکین مالیاتی و تقویت فرهنگ خوب پرداخت مالیات بهره مند شوند. درک چگونگی تاثیر ادراک مالیاتی بر رفتار اقتصادی و مشروعیت دولت برای دستیابی به توسعه عادلانه و حکومتداری موفق در دورانی که با نوسانهای اقتصادی و نیاز به جمع آوری پایدار درآمد مشخص می شود، بسیار مهم است. بنابراین، تحقیق

در تمکین مالیاتی، تعامل قابل توجهی بین درک ریسک مالی مالیات دهندگان و جهت گیری اخلاقی آنها را نشان می دهد که بیانگر ارتباط پیچیده ای است که انتخابهای فرد را در انجام تعهدهای مالیاتی شکل می دهد. آنچه این یافته را به ویژه جذاب می کند، درک این موضوع است که تاثیر جهت گیری اخلاقی بر تمکین مالیاتی یکسان نیست، بلکه به سطح درک ریسک مالی فرد بستگی دارد. این رابطه ظریف نشان می دهد که افراد ممکن است بر اساس نحوه درک ریسکهای مالی مربوط، ملاحظات اخلاقی را به طور متفاوتی هدایت کنند. این امر ما را بر آن می دارد تا در مورد چگونگی ایجاد تعادل بین اصول اخلاقی خود و جنبه های عملی ریسک مالی هنگام برخورد با تصمیمهای مربوط به مالیات، تامل کنیم. علاوه بر این، این مطالعه با اذعان به نقش تهیه کنندگان مالیات در تصمیمهای تمکین، زاویه جالبی را معرفی می کند. بررسی بیشتر چگونگی تاثیر یا واسطه گری تهیه کنندگان مالیات بر تعامل بین جهت گیری اخلاقی، درک ریسک مالی و تمکین مالیاتی می تواند بینشهای عمیق تری ارائه دهد. درک پویایی بین مالیات دهندگان و تهیه کنندگان مالیات ممکن است عوامل اجتماعی و نهادی گسترده تری را که رفتار تمکین را شکل می دهند، روشن کند. پژوهشهایی از این دست، دیدگاههای ارزشمندی را در حوزه تمکین مالیاتی ارائه می دهد. این به سیاست گذاران، مقامهای مالیاتی و محققان در درک عوامل پیچیده موثر بر انتخاب افراد در پابندی به مقررات مالیاتی کمک می کند. این امر بر اهمیت اتخاذ یک رویکرد جامع که هم ویژگیهای فردی و هم پیامدهای خارجی را هنگام تدوین استراتژیهای موثر برای تمکین مالیاتی در نظر می گیرد، تاکید می کند.

برخی مالیات را برای جامعه مفید می دانند، در حالی که برخی دیگر آن را باری بر بودجه خود می دانند. دولتها و سیاستمداران در تلاش برای ایجاد تعادل بین این دو گروه با وظیفه دشواری روبه رو هستند. هدف این مقاله پرکردن شکاف اطلاعاتی فعلی در مورد علل این نظرات متفاوت البته روشن کردن رابطه پیچیده بین مالیات و توسعه اجتماعی با بررسی عواملی است که نگرش افراد نسبت به مالیات را شکل می دهد و تاثیر این نگرشها بر فعالیت اقتصادی و ایجاد سیاستهای عمومی.

در مورد نگرشها و برداشتهای مالیاتی می‌تواند بینشهای ارزشمندی را برای سیاست‌گذاران و مقامهای دولتی که برای بهبود نظامهای مالیاتی و جمع‌آوری درآمد در کشورهای در حال توسعه تلاش می‌کنند، فراهم کند.

اهمیت و پیچیدگیهای امور مالیاتی

موضوعهای پیرامون مالیات اموری پیچیده و مرتبط با عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که اغلب توسط ارزشها و دیدگاههای فردی شکل می‌گیرند. یک تصور غلط رایج نشان می‌دهد که مالیاتها بار تحمیلی دولت بر شهروندان هستند؛ چیزی شبیه به نوعی مجازات. با این حال، بسیار مهم است که عمیق‌تر به این برداشت بپردازیم و ماهیت دشوار مالیاتها را آشکار کنیم و آنها را نه تنها به عنوان یک بار بالقوه، بلکه به عنوان خدمتی برای افراد و جامعه نیز بشناسیم. وقتی صحبت از اقتصاد می‌شود، برخی استدلال می‌کنند که مالیاتها به عنوان چالشی برای رفاه و توسعه اقتصادی عمل می‌کنند. ایده این است که نرخهای بالای اعمال شده برای مالیات، چه برای افراد و چه برای شرکتها، می‌تواند آنها را از سرمایه‌گذاری، فعالیتهای کارآفرینی و ایجاد فرصتهای شغلی را دلسرد کند. نگرانی دیگری در مورد نظامهای مالیاتی تصاعدی ایجاد می‌شود که برای کاهش اختلافاهای اقتصادی و توزیع مجدد ثروت طراحی شده‌اند. منتقدان استدلال می‌کنند که چنین نظامهایی به طور ناعادلانه‌ای افراد ثروتمند و موفق را تحت فشار قرار می‌دهند و بار نامتناسبی را بر دوش آنها قرار می‌دهند. علاوه بر این، پیچیدگی قوانین مالیاتی و روشهای اجرای قاطعانه می‌تواند برداشت منفی در بین مالیات‌دهندگان ایجاد کند. این پیچیدگی، همراه با اجرای سختگیرانه، تمایل به ایجاد حس نگرانی و اضطراب در افرادی دارد که از دیدگاه مالیاتی عبور می‌کنند. مالیاتها نقش حیاتی در تامین منابع اصلی دولتها برای امر حکمرانی و شکوفایی اقتصاد و همچنین توزیع عادلانه ثروت ایفا می‌کنند و آنها را قادر می‌سازند تا خدمات ضروری مانند رفاه اجتماعی، مراقبتهای بهداشتی، آموزش و زیرساختها را در جامعه به طور مناسبی ارائه دهند. در یک نگاه مثبت، مالیاتها به عنوان وسیله‌ای برای افراد جهت مشارکت در رفاه جوامع خود تلقی می‌شوند.

این ایده که مالیاتها نه تنها پرداختهای اجباری، بلکه مشارکت داوطلبانه در جهت رفاه عمومی هستند، براساس مفهوم قرارداد اجتماعی بنا شده است. این مفهوم نشان می‌دهد که مردم با میل و رغبت بخشی از درآمد خود را برای تشویق خیر بیشتر فدا و در نتیجه پیوندهای مسئولیت مشترک و جامعه را تقویت می‌کنند. فراتر از مشارکتهای فردی، مالیاتها به عنوان ابزاری مهم برای رسیدگی به مسایل اجتماعی و حفظ ثبات اقتصادی عمل می‌کنند. آنها بودجه لازم را برای نظامهای امنیتی جامعه، پروژه‌های زیربنایی حیاتی و اقدامهایی برای مقابله با تغییرات اقتصادی، فراهم می‌کنند و در نهایت ثبات کلی را ارتقا می‌دهند. یافتن تعادل مناسب بین ارتقای عدالت و حل بی‌عدالتی هنگام اجرای مالیات تصاعدی بسیار مهم است. یک نظام مالیاتی منصفانه و شفاف می‌تواند در دستیابی به اهداف جامعه نقش داشته باشد.

نظریه‌های مالیاتی و مالیات ستان

مفهوم مالیات به عنوان خدمتی که توسط دولت ارائه می‌شود یا فشاری بر رفاه مالی افراد، موضوع پژوهشهای علمی بوده است. مالیات، که اغلب به عنوان یک وظیفه مدنی در نظر گرفته می‌شود، برای تامین مالی کالاهای عمومی، زیرساختها و برنامه‌های رفاه اجتماعی در نظر گرفته شده است که در مجموع به توسعه اجتماعی کمک می‌کنند. محققانی مانند آستر و سبولا (۲۰۱۸)^۳ همبستگی بین تصاعدی بودن مالیات و تاثیر آن بر توزیع درآمد را بررسی و ماهیت توزیع مجدد مالیات را به عنوان خدمتی با هدف کاهش نابرابریهای اقتصادی روشن کرده‌اند.

نظریه قرارداد اجتماعی، که بیان می‌کند مالیات باید برای تامین مالی خدمات عمومی که همه شهروندان باید به آن دسترسی داشته باشند، استفاده شود، با این دیدگاه سازگار است (ونزل ۲۰۰۷)^۴ از سوی دیگر، دیدگاه فشار بر مالیات، دشواریهای مالی را که مالیاتها می‌توانند بر افراد و سازمانها تحمیل کنند، تشخیص می‌دهد. در نتیجه این فشار، توانایی مردم برای خرج کردن پول کاهش می‌یابد که می‌تواند مانعی برای رشد اقتصادی باشد. نرخهای بالای مالیات در کشورهای در حال توسعه، همانطور که توسط بلسی و

دیدگاه‌های مالیاتی ایفا می‌کند. پژوهشهای روث و والدز (۲۰۲۰)^۸ به این موضوع می‌پردازد که چگونه یک اقتصاد پررونق ممکن است دیدگاه مردم را در مورد مشروعیت دولتشان تغییر دهد. آنها ادعا می‌کنند که اگر دولتها از درآمد مالیاتی برای پیشبرد موثر برنامه‌های توسعه و افزایش رفاه اجتماعی استفاده کنند، احتمال مشروعیت آنها بیشتر است. اعتبار دولت زمانی تقویت می‌شود که مردم باور داشته باشند مالیات یک شر ضروری است که به منافع اجتماعی و اقتصادی مطلوب کمک می‌کند. در نتیجه، عملکرد دوگانه مالیات در جامعه مدرن ممکن است در تصویر آن به عنوان یک خدمت و یک بار دیده شود. در حالی که مالیات برای حمایت از خدمات عمومی و پیشبرد پیشرفت ضروری است، آنها همچنین می‌توانند یک بار مالی سنگین باشند که اقتصاد را کند می‌کند. تصاعدی بودن مالیات، هنجارهای فرهنگی، متغیرهای روانشناختی و ارتباط بین مالیات و مشروعیت دولت، همگی به عنوان عوامل بالقوه موثر در این دیدگاه‌ها ذکر شده‌اند. برای ایجاد سیاستهای مالیاتی و روشهای ارتباطی که فرهنگ مثبت پرداخت مالیات و رشد اقتصادی بلندمدت را ترویج می‌دهند، آگاهی از این پویایی بسیار مهم است.

عوامل موثر بر ادراک مالیاتی

عوامل اقتصادی نقش مهمی در شکل دهی به برداشت افراد از مالیات دارند. مطالعات انجام شده توسط آستر و سیولا (۲۰۱۸) بر تاثیر تصاعدی بودن مالیات بر برداشت مالیاتی تاکید دارد و نشان می‌دهد که نظامهای مالیاتی تصاعدی، که درآمدهای بالاتر را با نرخهای بالاتر مالیات می‌گیرند، اغلب به عنوان نظامهایی که عدالت اقتصادی را ارتقا می‌دهند، تلقی می‌شوند. عوامل اجتماعی، از جمله هنجارها و ارزشهای اجتماعی، می‌توانند به طور قابل توجهی نحوه درک مالیات را شکل دهند، هو و هانگ (۲۰۱۸) استدلال می‌کنند که هنجارهای فرهنگی مرتبط با اعتماد به دولت و همکاری جامعه می‌توانند بر روحیه مالیاتی و انطباق با آن تاثیر بگذارند (گربر و همکاران، ۲۰۱۸)^۹.

عوامل روانشناختی، بینشهایی را در مورد فرآیندهای شناختی که بر ادراک مالیات تاثیر می‌گذارند، ارائه می‌دهند. فلد و فری

در کشورهای توسعه یافته

از نظر اقتصادی،

شهروندان به دلیل

مزایای قابل مشاهده

مشارکتهای مالیاتی خود

تمایل به برداشتهای

مالیاتی مثبت تری دارند

پرسون (۲۰۱۴)^۵ مورد مطالعه قرار گرفته است، ممکن است کارآفرینی و سرمایه‌گذاری را دلسرد کند که می‌تواند رشد اقتصادی را کند و کندتر کند. براساس این دیدگاه، برای جلوگیری از مالیات‌گریزی و رکود اقتصادی، ایجاد تعادل بین نرخهای مالیات و انگیزه‌های اقتصادی بسیار مهم است. مسائل اقتصادی، اجتماعی، روانی، فرهنگی و سیاسی همگی در شکل دهی نگرشهای مالیاتی نقش دارند و مطالعات به بررسی تعامل بین این دو دیدگاه متضاد پرداخته‌اند، فلد و فری (۲۰۰۷)^۶ برای بهبود رعایت مالیات، جنبه روانشناختی را در نظر می‌گیرند و یک "قرارداد مالیاتی" با انگیزه‌ها و مقررات پاسخگو را پیشنهاد می‌کنند. طبق گفته هو و هانگ (۲۰۱۸)^۷ روحیه مالیاتی و رفتار انطباق تحت تاثیر هنجارها و ارزشهای فرهنگی قرار می‌گیرند. آنها ثابت می‌کنند که تربیت فرد تاثیر قابل توجهی بر این دارد که آیا مالیات به عنوان یک شر ضروری توسط آرمانهای شخصی یا یک خدمت ضروری مطابق با استانداردهای اجتماعی تلقی می‌شود؟ رابطه ظریف بین مالیات و مشروعیت سیاسی نیز نقش حیاتی در تعیین

(۲۰۰۷) نظریه قرارداد مالیاتی روانشناختی را مطرح می‌کند که نشان می‌دهد درک مبادله منصفانه بین مالیات‌دهندگان و دولت می‌تواند بر رفتار انطباقی تأثیر بگذارد. عوامل فرهنگی، که در عمق باورها و رویه‌های اجتماعی ریشه دوانده است، در نوع درک مالیاتی نقش دارند. همانطور که هو و هانگ (۲۰۱۸) بحث کرده‌اند، چارچوب ابعاد فرهنگی هافستد نشان می‌دهد که چگونه ارزشهای فرهنگی مانند فردگرایی یا جمع‌گرایی می‌توانند بر نگرشهای مالیاتی تأثیر بگذارند. در فرهنگهای فردگرا، مالیات ممکن است به‌عنوان باری تلقی شود که آزادی اقتصادی شخصی را نقض می‌کند. عوامل سیاسی شامل نقش سیاستهای دولتی، ارتباطات و اعتماد در شکل‌دهی به درک مالیاتی است (نستور کاستاندا^{۱۰} (۳۲۰۲). دولتهایی که به‌طور موثر نحوه استفاده از درآمد مالیاتی برای منافع عمومی را اطلاع‌رسانی می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که درک مثبت را تقویت کنند (روث و والدز ۲۰۲۰)، رفتار انطباق مالیاتی به‌طور پیچیده‌ای با درک مالیات به‌عنوان یک خدمت یا فشار

مرتبط است. پژوهشها نشان داده است که برداشت افراد از انصاف و شفافیت نظام مالیاتی می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر تمایل آنها به رعایت تعهدهای مالیاتی تأثیر بگذارد (فلد و فری ۲۰۰۷). عوامل روانشناختی، همانطور که در نظریه قرارداد مالیاتی روانشناختی توصیف شده است، نشان می‌دهد که افراد وقتی رابطه متقابلی بین پرداخت مالیات خود و خدمات و مزایایی که دریافت می‌کنند، درک می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که از مالیاتها پیروی کنند (سادیارتو و همکاران، ۲۰۲۰)^{۱۱}.

علاوه بر این، مطالعات بین‌المللی تأثیر مالیات بر رفتار و توسعه اقتصادی را آشکار می‌کند. پژوهشهای بسل و پرسون (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که سیاستهای مالیاتی به‌طور قابل توجهی بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه تأثیر می‌گذارند. نظامهای مالیاتی که با انگیزه‌های اقتصادی همسو هستند، می‌توانند سرمایه‌گذاری و کارآفرینی را تشویق کنند و نتایج اقتصادی مثبت را تقویت کنند. در نتیجه، رفتار تمکین مالیاتی، مشروعیت دولت و دیدگاه‌های بین‌المللی در مجموع برداشتهای مالیاتی را شکل می‌دهند. تعامل بین عوامل روانشناختی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بر این که آیا مالیات به‌عنوان یک خدمت یا یک فشار تلقی می‌شود، تأثیر می‌گذارد. سیاستهای مالیاتی موثر، حاکمیت شفاف و استراتژیهای ارتباطی حساس به فرهنگ برای ارتقای برداشتهای مثبت مالیاتی، افزایش تمکین و تقویت توسعه اقتصادی پایدار حیاتی هستند.

پژوهشهای اولیه در مورد انگیزه‌های فرار مالیاتی بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی متمرکز بود. محققان وقتی متوجه شدند که نظریه‌های اقتصادی برای توضیح همه موارد کافی نیستند، مطالعات خود را گسترش دادند تا مولفه‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی را در آن بگنجانند. هدف از این تحقیقات پاسخ به این پرسش بود که آیا مالیات‌دهندگان معتقدند که تصمیمهای مربوط به رعایت مالیات آنها از نظر اخلاقی درست است یا خیر؟ (هاف ۲۲۰۲)^{۱۲}.

در یک بررسی اخیر، (لوکانان ۳۲۰۲)^{۱۳} به چارچوبهای انتسابی جامعه‌شناسی جدید اخلاق می‌پردازد و مواضع طرفداران اخلاقی و منتقدان غیراخلاقی را در مورد اجتناب

در فرهنگهای فردگرا

مالیات ممکن است

به‌عنوان باری

تلقی شود که

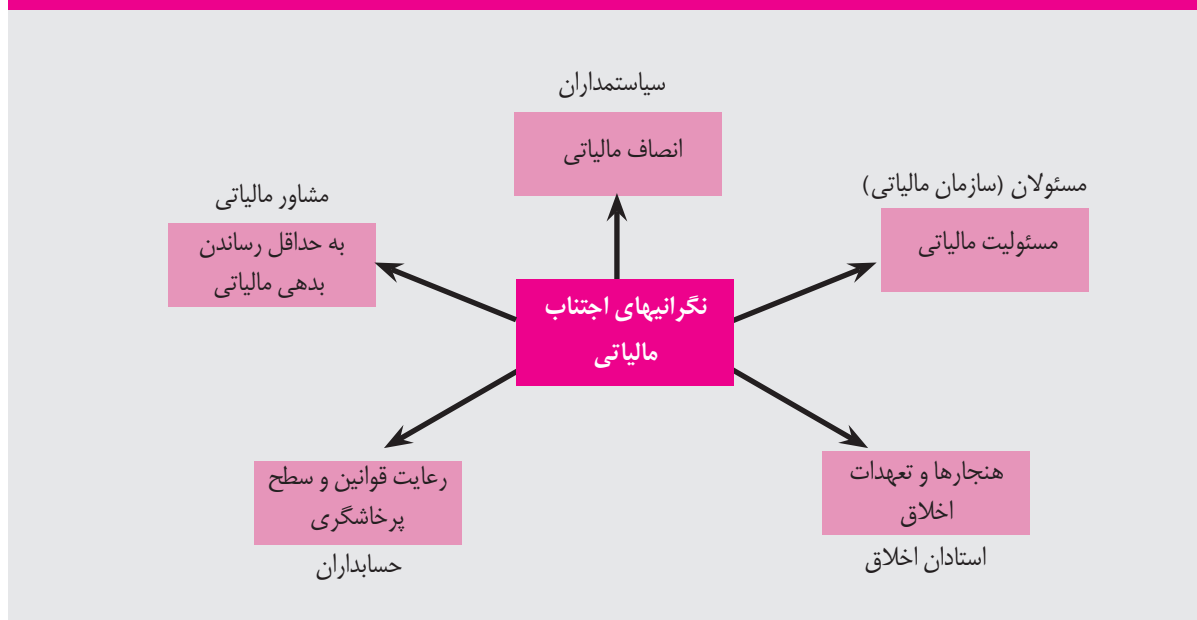
آزادی اقتصادی شخصی را

نقض می‌کند

نویسندگان ادعا می‌کنند که عناصر بی‌شماری، مانند سرمایه اجتماعی و فرهنگی، تعامل کارآفرینان با دولت و برداشت آنها از مشروعیت نظام مالیاتی، در مجموع شیوه‌های تمکین مالیاتی آنها را شکل می‌دهند. این تحقیق، برهم‌کنش ظریف عوامل موثر بر رویکردهای کارآفرینان بومی به تمکین مالیاتی را روشن می‌کند و بینشهای ارزشمندی در مورد پویاییهای پیچیده موجود ارائه می‌دهد، (مهمت ۲۰۲۳) در کار اخیر خود، بر بارهای مالی مرتبط با تمکین مالیاتی تمرکز و به‌طور خاص تاثیر مستقیم آنها را بر مالیات‌دهندگان و بنگاه‌های اقتصادی را بررسی کرده است. این مطالعه به وزن قابل توجهی از موضوعات می‌پردازد که هزینه‌های تمکین مالیاتی را تحمیل می‌کند و پیامدهای نامطلوب آن را بر امور مالی شخصی و نهادهای تجاری برجسته می‌سازد. مهمت تاکید می‌کند که چگونه این هزینه‌ها، محیط مالی چالش‌برانگیزی را برای افراد و شرکتها ایجاد می‌کنند و بر چالشهای ملموسی که در حوزه هزینه‌های انطباق با مالیات ایجاد می‌شوند، نور می‌افکند.

تهاجمی از مالیات بررسی می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی موثر مالیاتی، شرکتها را قادر می‌سازد تا ارزش فعلی پرداختهای مالیاتی آینده را کاهش دهند. این مقاله فرض می‌کند که اجتناب از مالیات در یک قلمرو اخلاقی قرار دارد و به تدریج از هنجارهای اجتماعی متعارف که آنچه درست یا غلط تلقی می‌شود را دیکته می‌کنند، فاصله می‌گیرد. وی پیشنهاد می‌کند که بینشهای حاصل از این تحقیق می‌تواند به‌عنوان منابع ارزشمندی برای کسانی که بر مقررات مالیاتی نظارت دارند، عمل کند. چنین بینشهایی می‌تواند درک دقیقی از مسایل پیچیده مرتبط با اجتناب از مالیات شرکتها ارائه دهد و به‌طور بالقوه به‌عنوان مرجعی راهنما برای اصلاحات نظارتی آینده عمل کند، (یونگ و فوکوفوکا ۲۰۲۳) در کار اخیر خود، نگاهی دقیق به شیوه‌های تمکین مالیاتی کارآفرینان بومی در زلاند نو می‌اندازند و دیدگاهی منحصر به فرد از دریچه بورديو ارائه می‌دهند. مطالعه آنها به بررسی عوامل پیچیده موثر بر رفتار تمکین مالیاتی این کارآفرینان می‌پردازد و بر تاثیر زمینه اجتماعی و فرهنگی که در آن حرکت می‌کنند، تاکید می‌کند.

شکل ۱- پیوندهای اجتناب مالیاتی



شکل ۱، پیوندهای اجتناب مالیاتی - اخلاق و اجتناب مالیاتی را نشان می‌دهد.

نتایج بررسیهای مذکور بیانگر پیچیدگی بسیار زیاد موضوع مالیات و نظریه‌های متفاوت اصحاب دانش در نوع نگاه به مالیات است؛ ولی آنچه در این موضوعها و پژوهشها به‌طور کامل متمایز است، وجود یک سند راهبردی در حوزه مالیات‌ستانی حکومتها با توجه به اهداف و اصل صیانت از منابع رعایت اصل انصاف و اخلاق و تنویر افکار از طریق آموزش و گزارشگری در کلیه حوزه‌های حکمرانی و جامعه است. چه بسا که نبود راهبرد مشخص و همچنین عدم تبیین و طراحی زیرساختهای لازم و همچنین عدم ایجاد فرهنگ مالیاتی مناسب در جامعه، همچنان امر مالیات‌ستانی را با چالشهای بزرگی مواجه خواهد کرد. توجه داشته باشیم که دولتهای یک دهه اخیر با تغییر ریل ساختار منابع بودجه‌ای کشور از درآمدهای نفتی به مالیات‌ستانی و ایجاد ظرفیتهای مالیاتی با تدوین قوانین و مقررات و همچنین در بخش زیرساختی، اقدامهای موثری در جهت رفع چالشهای ساختاری قبلی انجام داده‌اند ولی به‌نظر می‌رسد با توجه به شکاف جامعه؛ و فرد و حاکمیت در نوع نگاه به مالیات و مسیر هزینه‌کرد آن، همچنان این موضوع به‌عنوان یک اصل مبنایی مورد بحث است. بنابراین به‌نظر می‌رسد پرکردن این شکافها نیازمند ایجاد بسترهای فرهنگی و همچنین توجه به بحث مهم کوچک‌شدن اقتصاد در کشور در اثر فشار بیش از حد (نه از طریق ظرفیت‌سازی) به اقتصاد و تولید و . . . است؛ چرا که با وجود ابزار جدید دریافت و پرداخت در دنیای امروز، چنانچه این دامنه فشار از حد معمول بیشتر گردد، می‌تواند دولت را از مسیر اصلی خود خارج نماید. از طرف دیگر، تدوین نظام گزارشگری مشخص توسط دولت و سایر نهادهای عوارض‌گیر و مالیات‌ستان برای آحاد جامعه در اشکال مختلف و به‌صورت دوره‌ای، می‌تواند در این امر موثر باشد.

مسیری برای انجام پژوهشهای آتی

این مطالعه دریچه‌ای به‌سوی چندین مسیر برای پژوهشهای آینده را می‌تواند بگشاید. اول و مهمتر از

همه، بررسی بیشتر ادراک مالیاتی در زمینه‌های خاص، مانند کشورهای در حال توسعه، برای ارائه درک دقیق‌تری از عوامل شکل‌دهنده ادراک مالیاتی در مناطق مختلف، مورد نیاز است. علاوه بر این، پژوهشهای آینده می‌تواند به‌طور عمیق‌تری به تاثیر استراتژیهای ارتباطی و آموزشی دولت بر ادراک مالیاتی بپردازد. مطالعات تجربی می‌توانند اثربخشی رویکردهای مختلف ارتباطی را در تغییر ادراک مالیاتی و رفتارهای انطباق ارزیابی کنند. علاوه بر این، ابعاد روانشناختی ادراک مالیاتی شایسته بررسی گسترده‌تری است. سوگیریهای شناختی، ادراک انصاف و هنجارهای اجتماعی عوامل پیچیده‌ای هستند که کاوش عمیق را برای توسعه مداخله‌های هدفمند ایجاب می‌کنند. در نهایت، تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای با مطالعات موردی بین‌المللی باید به‌عنوان یک رویکرد پژوهشی ارزشمند ادامه یابد. درک چگونگی مدیریت ادراک مالیاتی توسط کشورهایی با

شکاف

جامعه و فرد و حاکمیت

در نوع نگاه به مالیات و

مسیر هزینه‌کرد آن

همچنان به‌عنوان

یک اصل مبنایی

مورد بحث است

ظاهری مالیاتهای پرداختی می‌دانند. علاوه بر این، انصاف در سیاستهای مالیاتی و ارتباطات دولتی به طور قابل توجهی بر نحوه درک مالیات تاثیر می‌گذارد. این متن بینشهایی را برای سیاست‌گذاران در مورد چگونگی افزایش تمکین مالیاتی و بهبود روابط مالیات‌دهندگان و دولت ارائه می‌دهد. نتایج بررسیهای نظریه‌پردازان حوزه مالیاتی نشان می‌دهد که سیاستهای مالیاتی مترقی و منصفانه می‌تواند منجر به نرخهای تمکین بالاتر و افزایش جمع‌آوری درآمد شود. علاوه بر این، ساده‌سازی نظامهای مالیاتی و کاهش موانع دیوانسالاری می‌تواند تمکین مالیاتی را در دسترس‌تر و آسان‌تر کند.



پانوشتها:

1. Orkaido, Kanbiro, and Addisu Karafo. 2018
2. Soliz, Ashley Beckett. 2015
3. Auster, R. D., and R. J. Cebula. 2018
4. Wenzel, Michael. 2007
5. Besley, Timothy, and Torsten Persson. 2014
6. Feld, Lars P., and Bruno S. Frey. 2007
7. Ho, L. C., and S. W. Hung. 2018
8. Roth, S., and J. Valdez. 2020
9. Gerber, Claudia, Li Liu, Victor Mylonas, and Alexander Klemm. 2018
10. Castañeda, Néstor. 2023
11. Sadjarto, Arja, Agatha Nathania Susanto, Evania Yuniar, and Melissa Gunawan Hartanto. 2020
12. Huff, Grace M. 2022
13. Lokanan, Mark. 2023
14. Yong, Sue, and Peni Fukofuka. 2023
15. Mehmet, Nar. 2023

منبع:

- Hunar Mohammed and Anita (2024), **Tangl Taxation Perspectives: Analyzing the Factors behind Viewing Taxes as Punishment—A Comprehensive Study of Taxes as Service or Strain**

نظامهای مالیاتی و زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی متنوع می‌تواند بینشهای ارزشمندی برای توصیه‌های سیاست مالیاتی جهانی ارائه دهد. این تحقیق پیچیدگیهای ادراک مالیاتی و پیامدهای آن را برای سیاست مالیاتی و جمع‌آوری درآمد روشن کرده است. اگرچه بینشهای ارزشمندی ارائه داده است، اما در این زمینه پویا، با پتانسیل شکل‌دهی نظامهای مالیاتی موثرتر و عادلانه‌تر در سراسر جهان، موارد



بسیار بیشتری برای بررسی وجود دارد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله ما به دنبال بررسی رابطه پیچیده بین مالیات‌دهندگان و نظامهای مالیاتی بودیم و همچنین به دنبال درک عوامل موثر بر برداشت افراد از مالیات به عنوان یک خدمت یا یک بار مالی بودیم. این مطالعه با استفاده از روشهای تحقیق کیفی و همچنین نتایج حاصل از نظرسنجی‌های صورت گرفته برای جمع‌آوری داده‌ها از گروه متنوعی از شرکت‌کنندگان در مطالعات مختلف صاحب‌نظران استفاده شده است. یافته‌های پژوهشهای انجام شده نشان می‌دهد که برداشت مردم از مالیات فقط تحت تاثیر عوامل اقتصادی نیست، بلکه تحت تاثیر جنبه‌های روانشناختی، ارتباطات دولتی و هنجارهای اجتماعی نیز قرار دارد. در کشورهای توسعه یافته از نظر اقتصادی، شهروندان به دلیل مزایای قابل مشاهده مشارکتهای مالیاتی خود، تمایل به برداشتهای مالیاتی مثبت‌تری دارند. در مقابل، کشورهای کمتر توسعه یافته اغلب برداشتهای منفی را ناشی از عدم بازده